

نگاه

کردستان

استاندار جسور می‌خواهد

فریا یونس

● امسال نیز استان کردستان، مانند انتخابات سال ۱۳۹۲ نشان داد که به دنبال مشی اعتدال و عدالت‌خواهی در سراسر کشور و رفع تبعیض از جامعه بزرگ ایران است و هرگز نمی‌خواهد این روند مسالمت‌آمیز گفت‌وگو و توسعه را رها کند و در این راستا به راه چاره‌ای دیگر بیندیشد. کاش همه مسئولان رده‌بالای دلسوز این سال‌های کشور، یک بار به جای سفر با هواپیما، از راه‌های زمینی به این استان می‌آمدند و به چشم خود می‌دیدند چگونه است که راه‌های کردستان به سه تهِ دره‌ها و برخورد‌های انحرافی و سهمگین آهن با آهن و سوختن پوست و گوشت انسان‌های این دیار، ختم می‌شود. انسان‌هایی که بدون شک هر یک می‌توانستند- و می‌توانند- حامل همان برات امیدی باشند که دردی از جوامع بشری را تسکین بخشیده و برای تکثیر خود و هم‌نسلانشان و توسعه جامعه‌ای بکوشند که در آن زندگی خواهند کرد. راه‌هایی که باید از آن بگذرید تا درد مردم این سامان بی‌سامان را لمس کنید. راه‌هایی که هر دوره از هر انتخاباتی در این دیار، کسانی به نیت تصدی کرسی‌های گرم و نرم نمایندگی آمدند، وضعیت وحیم و دور از روند توسعه جاده‌ها را شعار انتخاباتی خود کردند. از گرفتن و دادن بودجه‌های- دور از ذهن و- کلان کشوری جهت بهبود این وضعیت اسفبار شعارها سر دادند و در آخر بدون حصول هیچ نتیجه‌ای رفقتد و به پشت سرشان هم نیت‌نگاهی نکردند.

همه ما در دو دوره اخیر انتخابات ریاست‌جمهوری- و حتی دوره‌های قبل نیز- به‌وضوح شاهد بروز مشی بزرگ اعتدال‌گرایی در رفتار و پندار مردم کردستان بوده‌ایم و باید گفت ادعای «پیش‌قراولی اعتدال» کشور، ادعایی نیست که تنها از سوی مردم این خطه بر آن اصرار شده باشد، بلکه با به‌دست‌آوردن آمار و ارقامی نارنگشتی، به‌راحتی می‌توان به این نکته پی برد. امروزه اگر ناامیدی‌ای از قلب‌های این مردم سر برآورد، بی‌گمان هزینه‌زا‌ست. در این برهه زمانی، موقعیت حساس استان کردستان، با تمام ناملایماتی‌ها و آلام و رنج‌هایی‌که تاکنون از سر گذرانده، تیم مدیریتی قوی و بارآوده‌ای را می‌طلبد که در پاسخ به همه‌های پیش‌شمار عده‌ای بازی‌کردن منفعت‌جو، قاطعانه، با عملکرد خردگرایانه‌اش، «نه» بگوید و تنها بر توسعه اقتصادی- اجتماعی کردستان متمرکز شود و اصرار ورزد و بر همه آن ناملایماتی‌ها و سختی‌های سیاسی موجود فائق نشود. شاید ایشان به کرات تلاش کرده‌اند بهترین نیروهایشان را به سمت کردستان روانه کنند و همیشه در هر زمان به این مهم اندیشیده‌اند که استانداردی خوب، محجوب و با صدق و صفا در این خطه منصوب کند که بتواند در سایه آرامشی خردمندانه به حل معضلات ریشه‌ای استان بپردازد. اما واقعیت این است: کردستان استاندار خوب نمی‌خواهد. امروزه بیشتر ساکنان استان کردستان- از هر قشر و طیفی- نگران آینده عمل‌گرایانه به پشتوانه کتیف‌های مدیریتی سازماند در استان هستند و در این راه از آقای روحانی به‌عنوان رئیس جسور و قاطع دولت تدبیر و امید، خواهان تدبیری جدی‌تر و با ثانی‌تر در راستای انتخاب استاندار جدید برای استان کردستان هستند و به انتخاب مناسب‌تری فکر نمی‌کنند که بشود در سایه مدیریت عملگرایانه و ادراکی ایشان، این استان را به سمت توسعه‌های جدی و ریشه‌دار در تمام زمینه‌های تجاری، گردشگری، صنعتی و زیست‌محیطی سوق داد. بی‌گمان در این برهه خظیر و حساس زمانی، هنگام آن است که به انتخاب و انتصاب شخصی تکنوکرات و عمل‌گرا به سمت خطیر استانداری همت گمارد و تعجیل کرد. به‌درستی که در چنین بازه‌های سنگین زمانی، مردم این استان نیازمند تدابیر ضرب‌الاجل رئیس قاطع دولت هستند و انتخاب اشخاصی- هرچند دلسوز- به‌عنوان سرپرست استانداری استانی چون کردستان را بیش از این جایز نمی‌دانند. کماتر آنکه تا به این لحظه هیچ درخواستی مصراانه، علنی و توجیه‌پذیر از سوی آحاد جامعه کردستان، مبنی بر انتخاب استاندار بومی -کرد یا سنی- یا بالعکس، چنان با جدیت مطرح شده که بر نگرانی‌هایی مبنی بر نبود استاندار در استان چشم پوشید و باید به این مهم اعتراف کرد که انتخاب سخته قلبی مردم ما بوده و خواهد بود، آنچه استانداری جسور و قاطع است با عملکردی واقع‌گرایانه و مدیریتی ادراکی که بتواند هم‌زمان که مشکلات و معضلات استانش را رصد می‌کند و همه را به‌صورتی کاملاً موشکافانه می‌سنجد و حلاجی می‌کند؛ بهترین تصمیمات را در زمینه‌های اجرایی استان اتخاذ کند و بیش از پیش، هم‌گرای سیاسی -چه در داخل استان، میان اقشار مختلف جامعه با نگرش‌های مختص به خود و چه با سایر استان‌های هم‌جوار که اکنون بیش از هر زمانی به آن پیوند فکری- عاطفی دیرین چشم دوخته‌اند- بیندیشد. کسی که بتواند یک بار برای همیشه به معضل قاچاق در این خطه پایان دهد و با تأسیس و راه‌اندازی کارخانه‌هایی بر اساس پتانسیل موجود اعم از نیروهای انسانی و ذخایر معدنی والای استان، مانع از تکرار تصاویر زشت و شرمناکی چون کولبری و جان باختن جوانان تحصیل‌کرده و فعال در حین انجام این پدیده کریه‌المنظر شود.

politics@sharghdaily.ir



محمد توسلی

زندگیاد دکتر ابراهیم یزدی (۱۳۹۶-۱۳۱۰) یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی چند دهه اخیر کشور به‌ویژه مدیریت انقلاب اسلامی بوده است.
مروری بر زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت، بینش و منش این کشگر اجتماعی- سیاسی و نقد و بررسی عملکرد او می‌تواند برای نسل امروز و فردای جامعه ما آموزنده و مفید باشد.
خوشبختانه آقای دکتر یزدی با درایت و پشتکار فوق‌العاده‌ای خطرات بیش از ۶۰ سال خدمات خود را در چند جلد تنظیم کرده‌اند که جلد اول و دوم آن با عنوان ۶۰ سال صیوری و شکوری تاکنون منتشر شده و جلد سوم آن مدتی طولانی است که در وزارت ارشاد در انتظار صدور مجوز چاپ است. مجموعه خاطرات ایشان می‌تواند به‌عنوان منبعی غنی مورد استفاده همگان به‌ویژه پژوهشگران قرار گیرد.
زیرا این اسناد تاریخی با نظم و دقت بالایی تنظیم و ارائه شده است.

در این یادداشت مایلیم به گوشه‌ای از زندگی ایشان دربارۀ زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت فرهنگی- اجتماعی و سیاسی ایشان بپردازم. در اینجا به دو «نهایت» که بستر اصلی تأثیرگذاری در شکل‌گیری شخصیت دکتر یزدی در دوران نوجوانی و جوانی بوده است، اشاره می‌کنم. «نهایت خدایرستان سوسیالیست» در دهه ۲۰ و «نهایت آزادی ایران» از نوجوانی تا پایان عمر.

نهایت خدایرستان سوسیالیست در دهه ۲۰، از سوی جمعی از روشنفکران دینی همچون مهندس جلال‌الدین آشتیانی و دکتر محمد نخشب به صورت مخفی برای مقابله با افکار مارکسیستی حزب توده که نسل جوان ما را متاثر کرده بود، تشکیل می‌شود. دکتر یزدی در نوجوانی درحالی‌که در کلاس هشتم دبیرستان دارالفنون بود از سوی برادر بزرگشان آقای دکتر کاظم یزدی به جلسه آموزشی منزل دکتر محمد نخشب دعوت می‌شود و پس از طی دوره آموزشی وارد سازمان دانش‌آموزی این نهضت می‌شود و به فعالیت می‌پردازد. مبنای اندیشه نهضت خدایرستان سوسیالیست تأکید بر توحید و خدایرستی به‌عنوان جهان‌بینی و پیش‌نیاز دستیابی به عدالت اجتماعی است.

در مواضع اقتصادی نهضت خدایرستان سوسیالیست این چنین آمده است: «مخالفت و نفی و طرد تراکم ثروت جامعه در دست طبقه خاص، اعتقاد به سوسیالیسم به‌عنوان «اولویت منافع جامعه در برابر منافع فرد». اما سوسیالیسمی بر پایه خدایرستی، به‌این‌معنا که بدون توحید، بدون جامعه توحیدی، بدون اخلاق، عدالت اجتماعی با سوسیالیسم هرگز به وجود نخواهد آمد».
(خاطرات جلد اول صفحه ۱۱۲) و در ادامه برای فاصله‌گرفتن از واژه‌های کلیشه‌ای تصریح می‌کند: «هر جامعه‌ای راه حصول به عدالت را باید براساس معیار و مبانی فرهنگی خود و شرایط ویژه و ساختارهای اجتماعی - اقتصادی و ویژگی‌های روان‌شناختی خود جست‌وجو کرده و طی نماید» (خاطرات جلد اول صفحه ۱۱۵).

در دهه ۲۰ که نسل جوان تحت‌تأثیر افکار مارکسیستی برای عدالت‌خواهی قرار می‌گیرد نهضت خدایرستان سوسیالیست با این منطق که بدون ارزش‌های توحیدی و اخلاق امکان دستیابی به عدالت اجتماعی وجود ندارد، فعالیت خود را آغاز می‌کند. در این شرایط برای دکتر یزدی که زمینه مذهبی دارد فعالیت در شاخه دانش‌آموزی این نهضت فرصت مناسبی برای فعالیت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی- اجتماعی و سیاسی او است. خود او هم در خاطراتش به این مهم تأکید دارد: «... عضویت و فعالیت در نهضت خدایرستان سوسیالیست تأثیر بسیار عمیقی در ذهن و دیدگاه‌های سیاسی من برجای گذاشت. درواقع بعد از تربیت خالواولی و تلاوت آیه‌های عشق و محبت مادر در گوش و در کنار کار مستمر و جدی همراه پدر و تجربیات بسیار بارززش عینی و واقعی از زندگی و جامعه، حضور و فعالیت در نهضت خدایرستان سوسیالیست اثرات درازمدت در شکل‌گیری روحیه و گرایشات سیاسی و اجتماعی من برجای گذاشته است.» (خاطرات جلد اول، صفحه ۱۱۶).

اما نهضت آزادی ایران اگرچه در اردیبهشت سال ۱۳۴۰ تأسیس شد و دکتر یزدی یک سال قبل از آن در سال ۱۳۳۸ برای ادامه تحصیل در دوره‌های تخصصی به آمریکا رفته است، اما از همان سال‌های ابتدایی دهه ۲۰ با بسترهای آماده‌شده توسعه فرهنگی- اجتماعی و به وسیله پیشگامان روشنفکری دینی مهندس مهدی بازرگان، آیت‌الله طالقانی و دکتر بداینه سجایی در فعالیت‌های مختلفی پیوند خورده است. دکتر یزدی در سال پنجم دبیرستان در کنار دکتر کاظم یزدی و دکتر اسماعیل یزدی دو برادر بزرگتر خود که فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان مشارکت فعال داشتند، با فعالیت‌های این انجمن آشنا می‌شود و در جلسات آن حضور پیدا می‌کند. در سال ۱۳۳۸ که وارد دانشکده داروسازی دانشگاه تهران می‌شود با آمادگی‌های قبلی پس از عضویت رسمی در انجمن اسلامی دانشجویان به عضویت شورای مرکزی و هیئت اجرای انجمن در می‌آید و فعالیت خود را گسترش می‌دهد. حضور در جلسات هفتگی سخنرانی و پرسش و پاسخ انجمن، سخنرانی‌های ادواری مهندس بازرگان

به مناسبت‌هایی همچون اعیاد بعثت و جشن عید فطر انجمن و بهره‌گیری از جلسات تفسیر قرآن طالقانی در مسجد هدایت، بخشی از بسترهای آشنایی او با معارف دینی و دریافت پاسخ‌هایی است که نسل جوان آن دوران برای چالش‌های پیش‌روی جامعه خود با آنها روبه‌رو بوده است.^۱ برخی از این چالش‌ها پیرایه‌ها و خرافات دینی بود که در فرهنگ اسلام سنتی جامعه وجود داشت و مخالفان به‌ویژه حزب توده با استاد به آنها زمینه جذب جوانان و دانشجویان را فراهم می‌کرد. دکتر یزدی در فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان، حضور و نقش فعالی داشت. علاوه بر نقش مدیریتی خود از جمله سخنرانان جلسات انجمن بود و در تهیه و تولید نشریات فرهنگی انجمن مانند مجله «فروغ علم» و «کنج شایگان» مشارکت فعال داشت. در یکی از جشن‌های میلاد رسول اکرم(ص) که در مسجد هدایت برگزار شد و دکتر یزدی مدیریت و سخنرانی آن را برعهده داشت، مورد تشویق و تحسین طالقانی و سیدغلامرضا سعیدی قرار گرفت. (خاطرات جلد اول- صفحه ۱۵۵) مجموعه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دهه ۲۰ و تلاش‌های دوران دانشجویی که بخشی از آن با ۲۸ ماه دوران پرتلاهب نهضت ملی ایران و حکومت دکتر مصدق هم‌زمان بوده، شخصیت دکتر یزدی را هماهنگ با گفتمان روشنفکران دینی مانند بازرگان ساخت و او را آماده قبول مسئولیت در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی کرد.

دوران نهضت مقاومت ملی

کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ «بسیاری را افسرده و شش‌دیدا ناامید کرده بوده». اما با وجود هزینه‌های سنگین اجتماعی این رخداد، بلافاصله پس از کودتا به همت عالمان دینی آگاه مانند سیدرضا زنجانی هسته‌های مقاومت تشکیل شد. حدود دو هفته بعد از کودتا دکتر یزدی از طریق مهندس سحابی مطلع می‌شود که سازمانی به نام «نهضت مقاومت ملی ایران» تشکیل شده و پدران و مهندس بازرگان به این سازمان پیوسته‌اند. او مانند بسیاری از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان با توجه به اعتماد و رابطه فکری که با مهندس بازرگان و دکتر سحابی داشتند همکاری با نهضت مقاومت ملی را پذیرفت و به‌عنوان عضو کمیته دانشگاه نهضت مقاومت ملی و مسئولیت آن و رابطه

بین این‌کمیته و کمیته مرکزی نهضت مقاومت ملی، فعالیت خود را آغاز کرد. (خاطرات جلد اول- صفحه ۲۰۶) شرح مسئولیت‌ها و فعالیت‌های دکتر یزدی در سال‌های ۳۲ تا ۳۹ در نهضت مقاومت ملی بخش قابل‌ملاحظه‌ای از خاطرات دکتر یزدی را تشکیل می‌دهد (جلد اول خاطرات صفحات ۲۰۵ تا ۲۷۴). علاوه بر حضور فعال در کمیته دانشگاه، در کمیته انتشارات که زیر نظر مهندس بازرگان بود و در کمیته شهرستان‌ها نیز فعالیت داشت. بعد از بازداشت‌های سال ۱۳۳۴ از جمع‌بندی مشکلات کار جمعی با نمایندگان احزاب و گروه‌های سیاسی در سال ۱۳۳۵ سازمانی توسط مهندس بازرگان و جمعی از همفکران به نام «مناح» تشکیل می‌شود که مخفف «مکتب تربیتی اجتماعی عملی» است. این نهاد که تظاهر خارجی نداشت منشأ تأسیس نهادهای مدنی مختلفی مانند انجمن اسلامی خدماتی مانند پزشکان، معلمان، بانوان و نهادهای خدایم مانند شرکت سهامی انتشار شد. دکتر یزدی یکی از همراهان مهندس بازرگان در متاع بود.

در یک نگاه کلان می‌توان تأثیرات این‌دوره از فعالیت‌های اجتماعی را روی دکتر یزدی و سایر اعضای سابق انجمن اسلامی دانشجویان مورد ارزیابی قرار داد؛ این واقعیت است که اعضای انجمن که در دوران جوانی و دانشجویی شخصیت فکری و اجتماعی آنان شکل گرفته، در این دوره با فعالیت سیاسی و کار جمعی به‌ویژه نوع خاص آن در شرایط مخفی آشنا می‌شوند و هنگامی لازم را پیدا می‌کنند. در این شرایط است که در سال ۱۳۳۹ همین کارهای نهضت مقاومت ملی مانند دکتر یزدی، مهندس سحابی، رحیم عطایی، مهندس امیرانتظام و... با تحلیل شرایط سیاسی و شناخت تحولات سیاسی بین‌المللی، به‌ویژه در آمریکا، شرایط را برای فعالیت علنی در ایران آماده می‌بینند و از رهبران خانешین جبهه ملی دعوت می‌کنند و جبهه ملی دوم تشکیل می‌شود و آغاز به‌کار می‌کند.

سیاست



مرور روزگار ۲ نهضت به مناسبت چهلمین روز درگذشت ابراهیم یزدی

همراه بازرگان

تأسیس نهضت آزادی ایران

در شرایط سیاسی سال‌های ۳۹ و ۴۰ و مسائل و مشکلاتی که در تحلیل و رویکردهای سیاسی آن دوره مطرح بود و به دلایلی که راقم این سطور قبلاً در یادداشت‌هایی توضیح داده است، ضرورت تأسیس نهضت آزادی ایران مورد توجه مهندس بازرگان، دکتر بداینه سجایی و کادرهای نهضت مقاومت ملی قرار می‌گیرد. مهندس بازرگان در نطق افتتاحیه تأسیس نهضت آزادی ایران ضمن برشمردن چالش‌های کارهای جمعی و حزبی در ایران می‌گویند: «دوچارو ۵۰۰ سال کنار نشستم و اختیار را رها کردیم. حسابمان پشت دروازه شهر، ناامنی، عقب‌افتادگی و بردگی!» بعد اضافه می‌کنند: «اگر مملکت مال همه هست همه باید زحمت بکشیم به فکر باشیم و غم آن را بخوریم... ایران از هیچ‌گاه آمریکایی یا عرب یا انگلیسی درست نخواهد کرد... اگر ما خرابی‌ها را درست نکنیم اگر چیر غفلت یا خیانت پدران و خودمان را ننماییم و لکه‌های ننگ را از دامن ایران نزداییم پس کی این کار را بکنند؟...» سپس با وجود همه چالش‌ها اضافه می‌کنند: «فاذا عزمت فتوکل الله علی. به نام خدا و به امید و اتکای به او و در راه او وارد می‌شویم و می‌دانیم که با یک عمل و یک روز بلکه یک قرن گورستان تبدیل به گلستان نمی‌شود». مهندس بازرگان در همین سخنرانی جلسه افتتاحیه نهضت به چیده مرام‌نامه که شاید برای اولین‌بار اعلامیه جهانی حقوق بشر در کنار مبایذ اسلامی و

الترام به قانون اساسی آمده است، اشاره می‌کند و می‌گویند: «ما مسلمان، ایرانی، تابع قانون اساسی و مصدقی هستیم» و ضمن تأکید بر روش مبارزه قانونی، علنی و مسالمت‌آمیز بر راهبرد آزادی، دموکراسی و حقوق بشر اهتمام می‌ورزند.

برای یادآوری فضای سیاسی سال ۱۳۴۰ اشاره به نامه مهندس بازرگان به دکتر مصدق که در احمدآباد در حصر بود، درباره تأسیس نهضت آزادی و پاسخ تأییدیه دکتر مصدق که: «... تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص جناب‌عالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد...» (پاسخ تاریخی دکتر مصدق به نامه مهندس بازرگان - ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰) و همچنین یادداشت ذیل عکس تقدیمی به نهضت آزادی ایران در آبان‌ماه ۱۳۴۱ می‌نویسند: «...به کسانی که در راه آزادی و استقلال ایران عزیز از همه چیز خود می‌گذرند...». برای توضیح زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت دکتر یزدی و سایر اعضای قدیمی نهضت آزادی خالی از لطف نیست.

با چنین نگاه راهبردی است که نسل مهندس سحابی، دکتر یزدی، دکتر چمران و... با مبانی اعتقادی و نگاه راهبردی در چند دهه در شرایط مختلف و تحمل هزینه‌های سنگین ایستادگی کرده و به راه بازرگان ادامه داده‌اند. راز و رمز این ایستادگی و پایداری و حفظ انسجام مواضع و پاسخ‌گویی در مقابل تاریخ می‌تواند برای نسل امروز و فردای جامعه عبرت‌آموز و آموزنده باشد. اگرچه دکتر یزدی در سال ۱۳۴۰ هنگام تأسیس نهضت آزادی، در ایران نبود؛ اما او و سایر اعضای سابق انجمن اسلامی دانشجویان مانند دکتر مصطفی چمران، دکتر علی شریعتی و... به علت پیوندهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی گذشته خود، در سال ۱۳۴۱ نهضت آزادی ایران را در خارج از کشور تأسیس کردند. با توجه به شرایط و جو فرهنگی خارج از کشور ابتدا به پایه‌گذاری انجمن‌های اسلامی دانشجویان در آمریکا و اروپا همت گماشتند که تا پیروزی انقلاب اسلامی سال۱۳۵۷ نقش عمده‌ای در توسعه فرهنگی- اجتماعی دانشجویان و تربیت کادرهایی داشتند و در سال‌های بعد از انقلاب نقش مؤثری در عرصه‌های مختلف مدیریت کشور ایفا کردند.

جلد دوم خاطرات آقای دکتر یزدی که مربوط به ۱۸ سال زندگی در غربت است، مجموعه تلاش‌های دکتر یزدی است که به صورت مستند در این دوره گزارش شده است. در اینجا صرفاً به برخی از این فعالیت‌ها مانند تأسیس جبهه ملی آمریکا، تشکیل سازمان مخصوص اتحاد و عمل (سماع)...

ادامه در صفحه ۱۸

روزنه

۲ کشته وزخمی در یورش دزدان دریایی سومالی به شناور ایرانی

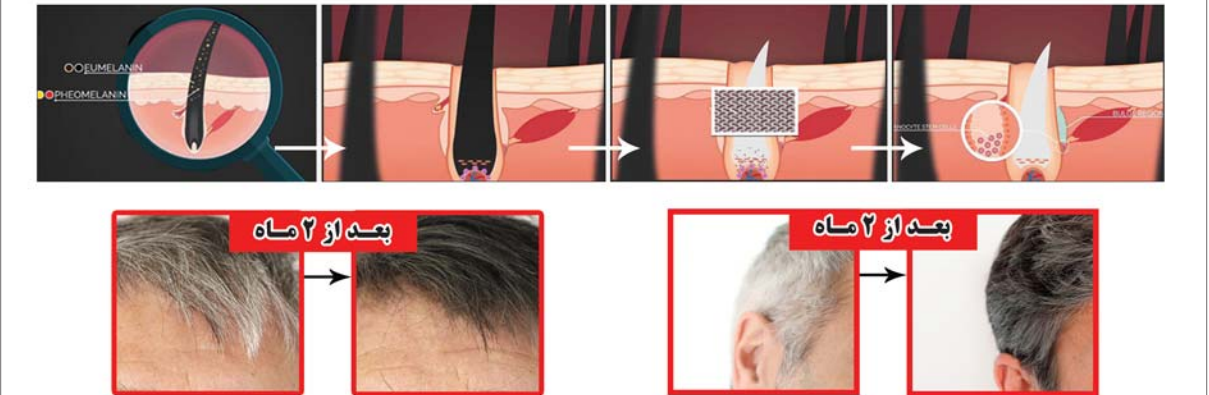
● مدیرعامل تعاونی صیادان چابهار از کشته و زخمی‌شدن دو عضو این تعاونی در آب‌های آزاد نزدیک به کشور سومالی خبر داد.
علیم افشار، مدیرعامل تعاونی صیادان چابهار، به اینا گفت: در حادثه تیراندازی که روز یکشنبه برای یکی از شناورهای صیادی ایرانی اتفاق افتاد، ناخدای این شناور کشته و یکی دیگر از خدمه آن مجروح شدند. به گفته این مقام تعاونی صیادان چابهار، یورش مسلحانه دزدان دریایی علت این حادثه اعلام شده است. گویا در زمان حادثه، لنج صیادی از نیروهای مستقر در حوزه آب‌های دریای عمان درخواست کمک کرده بوده؛ اما به دلیل بُعد مسافت، این درخواست بی‌نتیجه می‌ماند.

این فعال صیادی درباره سرنوشت لنج و صیادان آن گفت: درحال حاضر هیچ خبری از وضعیت تمام سرنشینان این شناور وجود ندارد. او با یادآوری اینکه به صورت تقریبی در هر لنج ماهیگیری ۱۱ ماهیگیر به همراه ناخدا حضور دارند، گفت: درحال‌حاضر از مجموع سرنشینان شناور یادشده، ناخدا کشته، یک ماهیگیر زخمی و ۱۰ ملوان (به صورت تقریبی) در گوگان دزدان دریایی سومالی قرار دارند.

بی‌بی‌سی به نقل از مقام‌های محلی در منطقه پاتلند سومالی، گزارش داده که ناخدا یکی لنج ماهیگیری ایرانی در تیراندازی مأموران گارد ساحلی کشته و یک نفر دیگر از خدمه لنج هم زخمی شده است. به گزارش رسانه‌های محلی، این مقامات گفته‌اند گارد ساحلی به این دلیل به سوی لنج شلیک کرده که خدمه آن هشدار مأموران برای توقف «ماهیگیری غیرقانونی» در سواحل منطقه را نادیده گرفته و سعی کرده‌اند فرار کنند. این حادثه در آب‌های اقیانوس هند در رأس حافون در منطقه پاتلند (ارض‌البیط) واقع در شاخ آفریقا رخ داده است.

به گفته مقام‌های محلی، لنج ایرانی توقیف شده و ۱۷ خدمه آن بازداشت شده‌اند. یکی از فرماندهان پلیس محلی به «صدای آمریکا» در سومالی گفته از داخل این لنج ایرانی که از اسکله‌ای در شهر بوساسو توقیف است، دو تُن ماهی کشف شده که به صورت غیرقانونی صید شده بود. این فرمانده همچنین گفته است که جسد ناخدا در «فریزر قایق» نگه داشته شده و پرونده برای رسیدگی به دادگاه ارسال شده است.

بالاخره یک راه برای برطرف کردن سفیدی مو و سیاه شدن از ریشه کشف شد.



مشکل سفیدی مو را از ریشه و برای همیشه (بدون رنگ مو) حل کنیم

چگونه مطمئن باشیم ادعای این محصول (رفع دائم سفیدی مو) واقعیت دارد؟

این محصول به دلیل اثر گذاری قطعی و موفری در از بین بردن موهای سفید و سیاه شدن موها از ریشه موفق به کسب مجوز وزارت بهداشت به عنوان محصول مناسب رفع سفیدی شده است. در همین مدت کوتاه فروش با آمار بالای رضایتمندی مشتریان همراه بوده است. همچنین برای این محصول ضمانت ویژه مرجوعی در نظر گرفته شده است. یعنی در صورتی که پس از استفاده از این بسته، موهایتان به رنگ تیره اولیه بازنگردد می‌توانید محصول را بدون هیچ پتانیه ای برگردانده و کل مبلغ پرداختی اولیه را دریافت کنید که این نشانه اعتماد ما نسبت به نتیجه گیری قطعی شما از این محصول می باشدبه خاطر داشته باشید که موها می توانند نقش مهمی در جوان تر به نظر رسیدن و حفظ روحیه و اعتماد به نفس شما بازی کنند. پس دیگه وقتشه موهایی به زبایی جوانیتان داشته باشید.

بسته ۵۰۴۰ چگونه موها را از ریشه سیاه می کند ؟

بسته رفع سفیدی مو و سیاه کننده مو از ریشه ی ۵۰۴۰ با دارا بودن عصاره های گیاهی نظیر هلیله سیاه، آلمه، سیاه دانه، سبوس برنج و همچنین ویتامین ها و مواد مغذی مورد نیاز ریشه مو باعث بازگرداندن رنگ از دست رفته به ریشه موها خواهد شد و به دلیل بازگرداندن فعل و افعالات طبیعی ساخت رنگدانه به ریشه مو دارای اثر دائمی و مادام العمر می باشد که تنها یک دوره استفاده از آن برای رفع کامل سفیدی مو و سیاه شدن موهای شما از ریشه برای همیشه کفایت خواهد کرد. مکانیزم تأثیر آن هم بسیار ساده است از طریق فراهم ساختن مواد مغذی مورد نیاز ریشه باعث فعالیت حداکثری ریشه و ملانوسیت شده و میزان و شدت فرایند ملانین سازی را افزایش می دهد که این موضوع باعث شده در مدت زمان بسیار کوتاهی شاهد از بین رفتن موهای سفید و همینطور سیاه شدن موهای از ریشه باشید.

چرا موها سفید می شوند ؟

ریشه مو که قسمت اصلی و سازنده ریشه موهای ما است در لایه دوم یا همان درم پوست قرار دارد، در کنار این ریشه کیسه ای به نام ملانوسیت وجود دارد که شامل ملانین یا رنگ دانه می باشد، در واقع مو قبل از اینکه از ریشه خارج شود و کاملاً بی رنگ و سفید بوده و به محض خروج از ریشه ملانوسیت، ملانین یا رنگ دانه های مو را به کراتین مو تزریق کرده و به این ترتیب رنگ مو ساخته می شود.

بسته رفع سفیدی موی ۵۰۴۰ پس از بررسی های بسیار تولید شده است که طی دوره مصرف الی۳ ماهه باعث فعال کردن رنگدانه ها و ملانین های اطراف ریشه موهایتان شده و به تدریج با تزریق رنگ به ریشه مو شاهد رویش موی سیاه به جای سفید خواهید بود، همچنین این بسته از سفید شدن سایر تارهای مو جلوگیری به عمل آورده به طوری که در پایان مصرف حتی یک تار موی سفید به جا نخواهد داشت.

علت سفیدی موها و پیامد ها

دلائر عوامل مختلفی مانند افزایش سن و نیز اختلال عملکرد تیروئید، استرس، تنش های عصبی و تغذیه نا مناسب و نیز عوامل ژنتیکی دانه های رنگی (ملانین) موجود در اطراف ریشه مو از بین رفته ، و به تدریج موها رنگ طبیعی خود را از دست داده و تبدیل به موهای خاکستری و نیز سفید می شوند . اگر چه چنین رخدادی را برای آقایان بالای سی و پنج سال و نیز خانم های بالای سی سال انتظار داریم اما امروز شاهد پدیده ای به نام سفیدی موی زودرس در بین جوانان و حتی نوجوانان هستیم که با کاهش اعتماد به نفس و روحیه این افراد همراه خواهد بود. در این راستا شاید اولین راهکار مرتبط رنگ کردن موها باشد اما باید به عواقب آن نظیر ریزش و آسیب به مو و نیز مصنوعی شدن چهره به ویژه در آقایان توجه داشت.

برای اطلاعات بیشتر عدد **۲۱۳** رابه سامانه پیامکی**۵۰۴۰۱۰۰۰** ارسال نمایید.

مشاوره رایگان ۴۵۷۳-۰۲۱

5040.ir